



ایستاده پای تخته ایثار

۵۴

دکتر حمزه پاسبان، دبیر خوش سابقه آموزش و پرورش کلاس‌های رایگان خود را به سنگر مسجد آورده است

عکس: فهیمه فرخی / شهرآرا



روایتی از زندگی محمدابراهیم نوروزی، فعال قرآنی محله فاطمیه که یک عمر در خدمت هم‌محلی‌هایش بوده است

عاقبت خوش هم‌نشینی باقرآن

۶

۷ روایت یک پویش مردمی در محله طبرسی شمالی که نرگس فتح‌اللهی باعث آن بود
جلوه‌های ارادت و مقاومت در محله

۷ شهروند محله ایثار، بیش از ۵۰ شب، چراغ ایستگاه صلواتی چهارراه برق را روشن نگه داشته است
ادای دین به جبهه‌ها

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

۳



○ مهمان خانواده شهید ناودنا

در نخستین سالگرد راه اندازی برنامه چهارشنبه های شهیدایی، اهالی قدرشناس محله فاطمیه، پس از اقامه نماز مغرب و عشا، این بار به خیابان مسلم شمالی رفتند تا با خانواده یکی از شهدای مظلوم ناودنادیدار و ضمن ادای احترام به خانواده شهید، از صبر و ایستادگی آن ها تجلیل کنند. ناواستوار دوم، ابوالفضل حسینی خزان، متولد ۱۳۷۹ در مشهد بود و ۱۳ اسفند پارسال، در جریان حمله ارتش تروریست آمریکا به ناودنا، به شهادت رسید. قرائت زیارت عاشورا، سخنرانی و تأکید بر خون خواهی از این شهید و دیگر شهدای جنگ تحمیلی سوم، از بخش های این دورهمی معنوی و مؤمنانه بود.



○ طلبه های پای کار در تجمعات شبانه

فرزانه شهامت، تقاطع رسالت و خیابان شهید یوسف زاده، میدان سعدی به سمت خیابان دانشگاه، ابتدای بولوار هفت تیر و چهارراه برق، نقاطی کلیدی در اجتماع های شبانه مشهد به شمار می روند که مسئولیت برپایی موبک های فرهنگی در آن ها به گروهی پرانگیزه و کاربلد از طلاب جهادی مدارس علمیه حضرت مهدی (عج) سپرده شده است. این مدرسه واقع در محله خیرآباد و نیز محله سیس آباد، با اجرای برنامه های متنوع، تلاش کرده است رده های مختلف سنی را جذب کند. مدیحه سرایی، سخنرانی های تیبینی و پاسخ به شبهات، رجزخوانی، اجرای سرود، شابلون زنی روی خودروها، نقاشی و... برخی از این برنامه ها هستند که هزینه های آن از محل کمک های مردمی تأمین می شود.

○ جهاد علمی در «عصر قیام»

اجتماع های شبانه مردم در طبرسی شمالی ۴، به محلی برای ارائه خدمات رایگان آموزشی به دانش آموزان تبدیل شده است. آموزگاران و دبیران مقطع اول ابتدایی تا نهم متوسطه، هر شب با حضور جهادی خود در غرفه کودک و نوجوان، عصر قیام، پاسخ گوی سوالات درسی دانش آموزانی هستند که به دلیل مجازی شدن کلاس های درسی، در فهم برخی نکات درسی دچار چالش شده اند. این غرفه که از ساعت ۲۰ در محله عباس آباد کار خود را شروع می کند، تا حوالی نیمه شب به فعالیت ادامه می دهد و در آن، با آموزش دوس مختلف به تفکیک مقطع تحصیلی، تلاش می شود دانش آموزان سریع تر به پاسخ پرسش های خود برسند.



○ سرپناهی برای زوج های نیازمند

هفته پیش، دور جدید پیش ثبت نام زوجین جوان نیازمند مسکن، در محله قرقی آغاز شد. در این طرح که با کمک خیران و هیئت امنای مسجد جامع قرقی اجرامی شود، ۶ واحد آپارتمان نوساز واقع در مجتمع مسکونی شهدای قرقی، به رایگان در اختیار جوان هایی قرار می گیرد که توان فراهم کردن سرپناهی برای شروع زندگی مشترک خود را ندارند. این مجتمع، فروردین ۱۴۰۳ با هدف حمایت از زوج های کم برخوردار و با حضور سردار شهید حسین سلامی، فرمانده وقت سپاه، کنار مسجد جامع قرقی به بهره برداری رسید.



شهرداری منطقه ۳ برای پروژه کوچه رسالت ۸/۷۶ میلیارد ریال بودجه اختصاص داد

تعیین روی دور تند

فیضی ۲۹ تیر پارسال، گزارشی از کوچه رسالت ۷۶ تهیه کردیم. در ابتدای این گزارش، حرف از آتش سوزی در خیابان رسالت ۷۶، کوچه شهید طاهری ۵ به میان آمد که در پی آن، خسارت سنگینی به زندگی شهروندی وارد کرد. شهروندان می گفتند اگر خودروهای آتش نشانی زودتر به محل می رسیدند، می شد بخشی از این خسارت را کاهش داد، اما تأخیر نیروهای امدادی دلیل مشخصی داشت؛ عرض کم ابتدای این کوچه، باعث گیرافتادن خودرو کامیون آتش نشانی شد و...

بعد از پیگیری های مستمر، دی پارسال، شهردار منطقه ۳ خبر خوش آغاز تعریض این کوچه را به ما داد و گفت تا پایان اسفند ۱۴۰۴ این معبر تعریض می شود. اما

به دلیل حوادث دی ماه و همچنین جنگ تحمیلی سوم پروژه با تأخیر روبه روشد. از ابتدای امسال اداره عمران و حمل و نقل کار تعریض را در دستور کار قرار داده و طی ۱۵ روز گذشته بیش از ۲۰ متر از این خیابان تعریض و آسفالت شده است و تا پایان اردیبهشت، این پروژه با اعتبار ۸ میلیارد ریالی به پایان خواهد رسید.



سم زدایی برای نشاط فضای سبز

اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۳ برای حفظ سلامت و شادابی فضای سبز، عملیات سم پاشی در سطح ۴۲ هزار مترمربع گل دائم رزو و ۳۰ اصله درخت را در دستور کار خود قرار داده است. برای رعایت حال شهروندان، عملیات سم پاشی پرچین ها، درختچه ها و بوته های رز در پارک بهار به روش کم خطر و در ساعات پایانی شب انجام شده است.

آسفالت به پژمان ۱۵ رسید

اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ما کوچه پژمان ۱۵ واقع در محله راه آهن به مساحت ۶۵۰ مترمربع را روکش آسفالت کرد. این پروژه با ۷۵ تن آسفالت برای این عملیات و با اعتبار ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال اجرا شده است.

کانالی برای پایان آب گرفتگی

عملیات بهسازی کانال قدیمی جمع آوری آب های سطحی در بولوار فاطمیه به پیشرفت فیزیکی ۶۰ درصدی رسید. این پروژه در بولوار فاطمیه، حدفاصل بولوار مسلم جنوبی تا انتهای بولوار فاطمیه در حال انجام است. طول تقریبی این کانال ۲۵۰ متر بوده و شهرداری اعتبار ۱۵ میلیارد ریالی برای آن در نظر گرفته است.



۳



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ای تا بفرستید.



«لیخند احسان» در تلگرد

کمک به سلامت دندان ها برای نیازمندان که توان پرداخت هزینه های هنگفت دندان پزشکی را ندارند، هدف دندان پزشکان جهادگری بود که مسجد امام رضا^(ع) در محله تلگرد را محل اجرای نیت خیر خواهانه خود کرده بودند. سه شنبه هفته پیش و از حوالی ساعت ۱۴، دور نخست فعالیت این گروه در سال جدید، با عنوان لیخند احسان در تلگرد، آغاز شد و تا حوالی اذان مغرب ادامه پیدا کرد. در این نوبت، خدمات دندان مصنوعی به متقاضیان با تخفیف پنجاه درصد نسبت به نرخ مصوب ارائه شد. مرکز نیکوکاری احسان الرضا^(ع) و قرارگاه فرهنگی مسجد امام رضا^(ع) در اجرای این طرح، مشارکت داشتند.



صاحب خوش قلب نیشان آبی

فرزانه شهامت محمد صبورا، از شهروندان محله شهید قربانی، با خود رو نیشان خود در جبهه انقلاب فعالیت می کند. او علاوه بر حضور منظم در تجمع شبانه خیابان پنجتن ۵۰۳ به خادمان مردم در این تجمع اعلام کرده که حاضر است حمل و نقل ملزومات برپایی غرفه ها و ایستگاه های صلواتی را با خود رویش به رایگان انجام بدهد. محمد آقا که از طریق کار با همین نیشان، هزینه های زندگی اش را تأمین می کند، همچنین تصمیم گرفته است برای کمک به معیشت هم محله ای هایش در این شرایط جنگی و کمک به برخی کسب و کارها، حمل و نقل اثاثیه و دیگر سفارشاتشان را به صورت نیم بها انجام دهد. او برای انجام این خدمت از نیازمندان محله، هیچ هزینه ای دریافت نمی کند.

تولد کتابخانه در مسجد امام سجاد(ع)

دبیر کتاب خوان و کتاب دوست دبیرستان حداد در محله فجر که سابقه راه اندازی کتابخانه ای با ظرفیت ۶ هزار جلد در این مدرسه را در کارنامه خود دارد، این بار در مسجد امام سجاد^(ع)، اقدام به ایجاد کتابخانه ای با عنوان «شمیم ظهور» کرده است. تکتیم مشهدی این کتاب ها را از هزینه و کتابخانه شخصی خود و اطرافیانش برای رده های سنی کودک، نوجوان و جوان تهیه کرده است. یوسفی، از همکاران اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی، نیز با اهدای ۹۰۰ جلد کتاب، خانم مشهدی را در اجرای نیت خیرش همراهی کرده است. اخلاق، احکام، زندگی نامه بزرگان، تاریخ، روان شناسی، ادبیات، خانواده، سرگرمی و کمک درسی، برخی سرفصل های کتاب های یاد شده را تشکیل می دهند.



به یاد شهید جاوید الاثر

اعضای شورای اجتماعی و اهالی محله شهید قربانی، برای دیدار با خانواده شهدای محله، عنوان «چشم و چراغ محله» را انتخاب کرده اند. آن ها می گویند با انتخاب این نام، علاوه بر اطلاع رسانی ساده تر برنامه در کانال های محلی، به دنبال ادای احترام به خانواده معزز شهدا هستند. تازه ترین دور از برنامه یاد شده، دو شنبه هفته پیش در منزل شهید مدافع حرم، سید حسین سجادی، صورت گرفت و پلاک افتخار بر سر در منزل این شهید بیست و نه ساله نصب شد. او سال ۱۳۹۵ در خان طومان سوریه به شهادت رسید و پیکرش همچنان مفقود است.



محله شهید قربانی در انتظار یک اتفاق ویژه

اولین بوستان پرجمعیت ترین محله مشهد با وسعت ۶ هزار و ۷۰۰ مترمربع در خیابان شهید قربانی ۳ به زودی به بهره برداری می رسد. شهرداری برای ساخت این بوستان بیش از ۱۵ میلیارد تومان هزینه کرده است تا مجموعه ای کامل و کاربردی شامل زمین بازی کودک، وسایل ورزشی، زمین والیبال و محلی برای برگزاری برنامه های فرهنگی باشد.

هم اندیشی ۲ شهردار برای تعریض بولوار طبرسی

جلسه هم اندیشی مدیران شهری با حضور ایمان فرهمندی، نایب رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر مشهد، سیدکمال الدین شاهچراغی، شهردار منطقه ۳ و مهدی حسین زاده، شهردار منطقه ۴ مشهد برگزار شد. شرکت کنندگان در این جلسه، ضمن تبادل نظر درباره آخرین وضعیت محور طبرسی جنوبی، به بحث و بررسی راهکارهای عملیاتی برای تسریع در روند بازگشایی مسیر بولوار مجلسی تا تقاطع بولوار مقداد پرداختند.

ساخت و سازها زیر ذره بین اداره نظارت

شهرداری منطقه ۴ سال گذشته بیش از ۳ هزار اخطار صادر کرده و اقدام کنترلی در حوزه ساخت و ساز انجام داده است. طبق آمار اداره نظارت بر ساخت و سازهای این منطقه، ۱۳۵۰ اخطار ایمنی برای املاک و پروژه های ساختمانی صادر شده است. همچنین ۱۲۰۰ اخطار توقف عملیات ساختمانی و ۱۶۳۲ اخطار پیگیری ثبت شده که نشان دهنده حضور مستمر و نظارت دقیق در سطح منطقه است.



جشنواره بازی های بومی و محلی در مسجد جواد الائمه^(ع) محله رده برگزار شد

جشن کرامت بابازی های سنتی

فیضی اهم زمان با فرارسیدن دهه کرامت، جشنواره بازی های بومی و محلی در مسجد جواد الائمه^(ع) محله رده برگزار شد. این برنامه با همکاری هیئت ورزش های بومی و محلی استان خراسان رضوی، اداره فرهنگی شهرداری منطقه ۴، شورای اجتماعی محله رده و جمعی از فعالان فرهنگی مسجد شکل گرفت. در این جشنواره، شرکت کنندگان در رشته های متنوعی مانند یک قل دو قل، دال پلان، دوز حرکتی، هفت سنگ و چند بازی سنتی دیگر با یکدیگر رقابت کردند و حال و هوای بازی های قدیمی دوباره در محله زنده شد.



ایستاده

پای تخته ایثار

دکتر حمزه پاسبان، دبیر خوش سابقه آموزش و پرورش کلاس های رایگان خود را به سنگر مسجد آورده است

۴



داستان جلد

فرزانه شهامت ساعت ۱۵ است و ساکنان خانه های جفت در جفت بولوار پنجم، آرامش و سکوت عصرگاهی را تجربه می کنند. مسجد قائمیه در محله شهید قربانی اما، این ساعت از روز، آغاز دایر شدن کلاس و برپا شدن بساط علم آموزی است، برای معلم و پسران نوجوانی که هیچ چیز، حتی سایه جنگ و مجازی شدن ناگزیر مدارس، نمی تواند آن ها را از اراده شان برای یاد دادن و یاد گرفتن، دور نگه دارد.

از دانشگاه به مدرسه

دوشنبه ها نوبت پسران کلاس هفتمی است. سه شنبه ها کلاس هشتمی های آیندو چهارشنبه ها هم به کلاس نهمی ها اختصاص پیدا کرده است. در کلاس هایی که حمزه پاسبان برای تقویت علمی دانش آموزان به رایگان برگزار می کند، به همه چیز فکر شده است؛ اینکه چه روزهایی، برای چه مقطعی و تدریس چه دروسی مناسب تر است. او متولد سال ۱۳۶۶ است و عشق به دنیای پر رمز و راز علم را همین حالا هم می توان در چشم های جست و جوگرش دید. او دکترای زیست شناسی دارد از دانشگاه شهید باهنر کرمان. با آکرا از اینکه مبادا گفته هایش حمل بر برجسته کردن رزومه کاری اش برداشت شود، تنها به یک دلیل، حاضر به گفتن از خود و انگیزه هایش برای برگزاری کلاس های رایگان آموزشی برای دانش آموزان محله شهید قربانی و التیمور می شود: «خبر دارم همکاران زیادی در بدنه آموزش و پرورش دارند کلاس های جهادی برگزار می کنند. برخی به صورت گردشی در منازل دانش آموزانشان یا حتی منزل خودشان. کار من، نسبت به دیگران برتری ندارد. فقط از این جهت باشماگفت و گومی کنم که ذهنیت مردم وحس وحالشان در این اوضاع تعطیلی ناخواسته مدارس، روشن و مثبت شود.»

او با این مقدمه، برایمان از حدود یک دهه ارتباط تنگاتنگ خود با هسته های پژوهشی دانشگاه های مختلف می گوید؛ همچنین از معاشرت دائمی با دانشجویان نخبه ای که راه اندازی و اداره شرکت های دانش بنیان، دغدغه اول و آخرشان بود؛ «با استارت آپ های دانشجویی زیادی همکاری کردم و هر چه گذشت، مطمئن تر شدم که برای موفقیت این هسته های علمی، کمبودهایی وجود دارد و جاهایی از کار می لنگد. مثلاً اینکه دانشجویان مادرکی از فضای بازار کار واقعی ندارند و در مدیریت استارت آپ ها و شرکت های دانش بنیان، همچنین تبدیل علم به ثروت، دچار چالش هستند.»

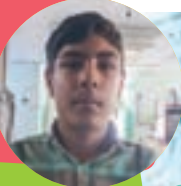
بدون دود و تا چهارتا

وجود کاستی هایی جدی در نظام آموزش و پرورش، دغدغه ای بود که به چشم پاسبان می آمد و درباره اش این طور می گوید: از حدود ۵ سال پیش تصمیم گرفتم سمت و سوی فعالیت هایم را از دانشگاه به مدارس، تغییر بدهم. با وجود موقعیت خوبی که در دانشگاه داشتم و تجربه هایی مثل مدیریت، مشاوره، مسئول واحد تحقیق و توسعه (R&D) و مسئول آزمایشگاه مجموعه های مختلف، همه را گذاشتم کنار و از سه سال پیش، همکاری رسمی ام را با آموزش و پرورش شروع کردم. «آقا اجازه سلام!» پسر بچه هایی که با کیف و کتاب زیر بغل، یکی یکی از راه می رسند و باد بیرشان، حال و احوال می کنند، میان گفت و گویمان، وقفه هایی کوتاه می اندازند. آن ها از انگیزه های معلمی که به پیشنهاد خودش به این مسجد آمده است و برای دانش آموزان پسر مقطع اول متوسطه وقت می گذارد، چیز زیادی نمی دانند. به طور مثال خبر ندارند که او برای تغییر رسته فعالیتش از دانشگاه به مدرسه، پیه حرف و حدیث های زیادی را به تنش مالیده است. تصمیم او هر چند بادود و تا چهارتای حسابگرانه، جور در نمی آید، برای خودش کاملاً موجه و مستدل است و این را از جملاتی که لحظاتی بعد، با اطمینان بر زبان جاری می کند، می توان فهمید. او امیدوارانه به دانش آموزانش نگاهی می اندازد که آرام، روبه تخته سفید گوشه شبستان مسجد، روی قالی های سبزرنگ نشسته اند و مشغول گپ و گفت با یکدیگرند تا چند دقیقه ای که به ساعت ۱۵ مانده است، بگذرد و کلاس علوم، شروع شود.



جبران گذشته

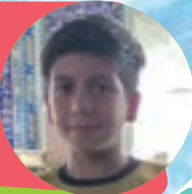
سیدعلی مصباح
دانش آموز پایه هفتم
مدرسه ایمان



از خانه مادر پنجتن ۷۲ تا اینجاکه پنجتن ۵۴ است، ده پانزده دقیقه راه است. من هر هفته این راه را پیاده می‌آیم و برمی‌گردم برای اینکه از کلاس آقای پاسبان استفاده کنم. قبلاً به مسجد قائمیه نیامده بودم و گذرم به این سمت نیفتاده بود اصلاً. الان که می‌آیم، کم‌کم دارم با بچه‌های این محله هم رفیق می‌شوم. من از طریق شبکه شاد، با خبر شدم که قرار است آقای پاسبان بیاید اینجادر درس بدهد. مادرم من را به شرکت در کلاس‌های حضوری آقای پاسبان تشویق کرد، وگرنه به خودم بود، شاید تنبلی می‌کردم و مثل الان، منظم نمی‌آمدم. از وقتی این کلاس‌ها شروع شده است، حتی یک جلسه هم غیبت نداشته‌ام. ترم اول، نمره علوم کم شد و مقصر خودم بودم که کم درس خوانده بودم. می‌خواهم در ترم دوم جبران کنم؛ مخصوصاً اینکه فهمیدم آقا معلم بابت این کلاس‌هایی که در مسجد برگزار می‌کند برایمان، هیچ پولی نمی‌گیرد و فقط می‌خواهد مادران را یاد بگیریم.

دانش آموز همیشه حاضر

الیاس رحیمی پور
دانش آموز کلاس هفتم
مدرسه نیک خلق



هر هفته با آقای پاسبان، سه ساعت کلاس داریم توی این مسجد؛ یک ساعت و نیم علوم و یک ساعت زبان انگلیسی. من در همین کلاس‌ها آقا معلم را شناختم و قبلاً با ایشان آشنایی نداشتم. کلاس خوبی داریم؛ هم درس یاد می‌گیریم و هم پرانرژی می‌گذرد و گاهی با چیزهایی که برایمان تعریف می‌کنند، می‌خندیم. از خانه ما تا مسجد قائمیه یک ربع پیاده راه است ولی همه کلاس‌ها را منظم می‌آیم؛ چون ارزشش را دارد و از کلاس مجازی بهتر است. همین امروز در وکیل آباد اردو بودم؛ به خاطر درس‌هایی که در نیمه‌ها کرده‌ام و قبل از شروع کلاس خودم را رساندم. من جزو هیئت نوجوان این مسجد هستم و این طوری خبردار شده‌ام که قرار است کلاس جبرانی برگزار بشود. همه این‌ها را به دوستانم در مدرسه نیک خلق هم گفتم. درست است که خانه‌هایشان تا این مسجد، دور است ولی به نظرم اگر درس برایمان مهم بود، می‌آمدند و شرکت می‌کردند. ترم قبل معدل من شد ۱۷،۸۶ و سعی می‌کنم این ترم، بهتر هم بشود. برای همین تا الان هیچ کدام از کلاس‌های آقای پاسبان را از دست نداده‌ام.

لذت فهمیدن درس علوم

سید محمد طاها طالبی
دانش آموز پایه هشتم
مدرسه ایمان

تخصص آقای پاسبان، درس علوم است اما من امسال ایشان را با تدریس در کلاس درس تفکر شناختم. وقتی ایشان در گروه کلاس مجازی ما اعلام کردند که می‌خواهند در مسجد قائمیه، کلاس تقویتی درس علوم را حضوری برگزار کنند، خوشحال شدم؛ چون واقعا از کلاس‌های مجازی با اینترنتی که مدام قطع و وصل می‌شود و... چیزی متوجه نمی‌شوم. مثلاً همین درس ریاضی که قرار است فصل هفتم آن را همین روزها امتحان بدهیم؛ به خاطر مجازی بودن کلاس، چیزی یاد نگرفتم و نمی‌دانم باید چه چیزی را امتحان بدهم. کلاس تقویتی آقای پاسبان باعث شد برای اولین بار پایه به مسجد قائمیه هم باز بشود. از تدریس ایشان خیلی راضی هستم و از اینکه کلاس را رایگان برگزار می‌کنند، فهمیدم قصدشان رضای خداست. با خودم می‌گویم ای کاش بقیه معلم‌ها هم کلاس حضوری برگزار می‌کردند. آن قدر از تدریس آقا معلم خوشم آمده است که به چند تا از بچه‌های مدرسه هم پیشنهاد دادم حتماً بیایند و شرکت کنند. آن‌ها هم آمدند. واقعا ارزشش را دارد که حوصله کنیم و ده دقیقه پیاده روی از پنجتن ۵۵ تا مسجد قائمیه را آن هم ساعت ۳ بعد از ظهر انجام بدهیم. چون وقتی کلاس یک و نیم ساعت علوم تمام می‌شود، مطمئنم که فهمیده‌ام ماجرای درس از چه قرار بوده است. معدل ترم قبل من ۱۸،۷۱ شد و امیدوارم این ترم، به خاطر مجازی بودن کلاس‌ها کمتر نشود.

فرصت طلایی

فرزانه نیک دل،
مادر امیر حسین کشاورز دانش آموز پایه
هشتم مدرسه صالح

در یکی از کانال‌های محلی، پستی را دیدم که خیلی خوشحالم کرد. انگار که خدا این فرصت را پیش پای پسر من گذاشته باشد. نوشته بود قرار است در مسجد قائمیه کلاس تقویتی برگزار بشود برای دانش آموزان متوسطه اول. به صورت جهادی و رایگان. از طرفی، با مجازی شدن کلاس‌ها، دغدغه درس‌های امیر حسین را داشتم، از طرف دیگر شوهرم یک کارگر ساده است و با داشتن چهار فرزند که سه تایشان دانش آموز هستند، برایمان مقدور نبود بچه‌ها را بفرستیم به کلاس خصوصی. این راه هم بگویم که وقتی شوهرم می‌رود سر کار، مادر خانه فقط یک گوشی هوشمند داریم و اینکه هر سه فرزندم بتوانند در کلاس‌های مجازی‌شان شرکت کنند، واقعا معضلی بود برای خودش. حالا خاطر من لاقلاً از دو تادرس اصلی امیر حسین، یعنی زبان انگلیسی و علوم، جمع است. سه شنبه‌ها با توبوس پیاده می‌روم مسجد و سر کلاس، در ریش را یاد می‌گیرم و برمی‌گردم. آن قدر از آقای پاسبان و تدریسش خوشش آمده است که فقط همان جلسه اول، پسر من را به رفتن تشویق کردیم. حالا خودش سر موقع در کلاس شرکت می‌کند، بدون اینکه من یا پدرش، چیزی به او بگویم. فقط می‌توانم بگویم خدا اخیراً به ما هدیه‌ای داد که از زندگی و وقتش می‌زند برای درس بچه‌های ما. همچنین ممنونم از دست اندکاران مسجد قائمیه به خاطر طرح خوبی که اجرامی‌کنند. کاش برای بقیه درس‌ها هم کلاس حضوری برگزار شود. پسر من با معدل بالای ۱۹ و خوب درس خواندنش، جواب این زحمت‌ها را خواهد داد.



فرا تر از وظایف سازمانی

پاسبان که خودش ساکن بولوار شهید آوینی است، از دغدغه‌ای می‌گوید که او را سر کلاس درس دانش آموزان متوسطه آورده است: «برای شب کردن روزهایم و گذراندن ساعت‌های موظفی‌ام به آموزش و پرورش نیامدم. برگزاری کلاس‌های جهادی هم با این نیت نبود. تغییر ریل دادم و به این وادی وارد شدم تا فرد مؤثری باشم و سهمی داشته باشم در رفع آسیب‌هایی که بین دانش‌آموزان و خانواده‌ها، دانشگاه می‌دیدم. چه جایی بهتر از متوسطه اول که هنوز شخصیت بچه‌ها، مثل گل خام است؛ منعطف و شکل پذیر. تأثیر پذیری از محیط و معلم در این سن و سال، حداکثر است و من باید یک دهم انرژی که برای دانشجویان می‌گذاشتم، می‌توانم اینجا تأثیرگذاری بیشتری داشته باشم. او که سوای تدریس در یکی از مدارس تیزهوشان شهر واقع در محله‌ای برخوردار، تدریس در یکی از مدارس دولتی محله التیمور را هم انتخاب کرده است. می‌گوید: با مسجد قائمیه که نزدیک دبیرستان ایمان بود، ارتباط گرفتم و درخواست برگزاری کلاس حضوری دادم؛ چون خانه دانش‌آموزانم همین حوالی است و نمی‌خواستم رنج مسافت طولانی را متحمل شوند. او ادامه می‌دهد: آموزش مجازی، به فرض اینکه دانش‌آموز ایرانی یا اتباع، بخواهد و بتواند در همه جلسات آن شرکت کند، به هیچ عنوان کافی نیست. در مجموع، حدود ۴۵ دانش‌آموز از مدارس مختلف در کلاس‌های تقویتی که از چند هفته پیش اینجا برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند. راستش انتظارم استقبال به مراتب بیش از این‌ها بود و به نظر من اگر خانواده‌ها اهتمام بیشتری برای ترغیب بچه‌هایشان داشتند، دانش‌آموزان بیشتری از این فرصت استفاده می‌کردند. اما حتی اگر به جای این تعداد، فقط یک نفر هم شرکت کند، باز هم می‌آیم و در رسم‌رسمی دهم؛ چون این کار را در این موقعیت و وظیفه‌ام می‌دانم؛ فرا تر از الزام‌های سازمانی.

روایتی از زندگی محمدابراهیم نوروزی، فعال قرآنی محله فاطمیه که یک عمر در خدمت هم محلی هایش بوده است

عاقبت خوش هم نشینی باقرآن



راه تجربه

زهرارشربعتی از اولین ساکنان محله فاطمیه است؛ وقتی هنوز تعداد خانه های محله به عدد انگشتان دست هم نمی رسید، ساکن اینجا شد و به اتفاق همان چند همسایه، شروع کرد به رسیدگی و آبادانی محله؛ از آوردن آب و برق و گاز به محله تا گرداندن مسجد و تشکیل جلسه قرآن خانگی که هنوز هم برقرار است. صحبت از محمدابراهیم نوروزی، پیشکسوت قرآنی محله فاطمیه است که در ادامه از برکت زندگی باقرآن می گوید.

● قرآن بخوان، کیف کنیم!

نوروزی که این روزها هشتاد و سومین بهار زندگی را سپری می کند، متولد تربت حیدریه است و بزرگ شده مشهد؛ تحصیلات ابتدایی را که تمام کرد، ترجیح داد مشغول کار شود. سواد و تربیت قرآنی اش را مرهون پدری است که کاسب بود و اهل علم و قرآن. از آن روزها این طور یاد می کند: پدرم با اینکه مسگر بود، مطالعات فقهی و حوزوی خوبی داشت و با علما مانوس بود. مرتب در خانه قرآن می خواند و وقتی ما را مشغول بازی در کوچه می دید، می گفت: «این قدر دنبال بازی نباشید؛ بیایید کنار من بنشینید.» با اینکه اجبار در کار نبود، اوایل به خاطر امر پدر با بی میلی می نشستیم و گوش می دادیم ولی به تدریج علاقه مند و دل بسته قرآن شدم.

به گفته خودش با تشویق های پدر و تأکیدی که روی تجوید و درست خوانی داشت، در مدتی کوتاه طوری پیشرفت کرد که اقوام به او می گفتند «قرآن بخوان، کیف کنیم!»

● به محله ام بی تفاوت نبودم

این طور که تعریف می کند، فوت مادر در دوازده سالگی و سنگینی داغش، بهانه ای شد برای مهاجرت پدر به مشهد و شروعی دوباره در این شهر مقدس؛ «سال ۱۳۳۷ همراه پدر ساکن مشهد شدم و در حوزه نزدیک به حرفه پدری یعنی ریخته گری و ذوب فلزات کارم را ادامه دادم. بعد از خدمت سربازی و ازدواج هم مدتی رانندگی درون شهری و برون شهری را تجربه کردم و بعد همراه برادرم به تولید چراغ پرداختیم.» کمی بعد وارد کار قطعه سازی موتورسیکلت شد و طی بیست سال اخیر هم روی تولید قطعات پرسی و فرو و فوره تمرکز کرده است؛ «سال ۱۳۵۴ این خانه را در محله فاطمیه ساختم و از آن زمان که اینجا فقط چهار پنج خانه داشت، تا کنون همین جا هستیم. نوساز بودن محله دردسرهایی داشت مثل نبود برق، آب و گاز و... به اتفاق همان ساکنان معدود محله آن قدر به سازمان های مربوطه رفتیم که دیگر کارمندان ما را شناخته بودند و هر طور بود توانستیم امتیازات را به محله بیاوریم. شخصاً هم به مشکلات بی تفاوت نبودم؛ با هزینه خودم کوچه را آسفالت و بن بست انتهایی آن را که مشکل ساز بود و حالا به جاده رسالت راه دارد، رفع کردم که اهالی محله خیلی خوشحال شدند.»

● دورهمی شبانه ای که عاقبت به خیر شد

شکل گیری جلسه قرآن در محله فاطمیه از برنامه هایی بود که خیلی اتفاقی پا گرفت و ماندگار شد. او در این باره می گوید: فعالیت برای محله از همان پیش از انقلاب سبب رفاقت و رفت و آمد بیشتر با اهالی شده بود، به طوری که معمولاً شب ها جلو در خانه، دور هم جمع می شدیم؛ پدر که با توجه به فقدان مادر، از ابتدای ازدواجمان با ما زندگی می کرد، به رسم توجه همیشگی اش به قرآن و تشویق دیگران برای انس با این کتاب آسمانی، پیشنهاد تشکیل جلسه

هیچ وقت در زندگی احساس کمبود نکرده ام و به آنچه دارم، قانع هستم. معتقدم هر چه ندارم، صلاح نبوده است؛ پس برای نداشته ها هم خدا را شکر می کنم.»

● هم آموزش قرآن، هم روشنگری درباره مسائل روز

جمشید مهدوی کوچک سرایی، از دوستان دبیرین محمد آقا که جانباز انقلاب اسلامی است، تعریف می کند: از سال ۵۹ که در محله فاطمیه خانه خریدم، با آقای نوروزی و جلسه قرآن آشنا شدم. حکم استادم را دارد. آن زمان حدوداً سی سال داشتم و روخوانی قرآن را بلد بودم اما در جلسه ایشان، صوت و لحن را هم یاد گرفتم و حالا به صورت حرفه ای ترتیل می خوانم. در همان پنج شش سالی که در آن محله ساکن بودم، از نزدیک آثار و برکات این جلسه را می دیدم؛ افرادی بودند که با وجود سن زیاد نمی توانستند قرآن بخوانند ولی با آموزش های آقای نوروزی خیلی خوب، هم روخوانی و هم ترتیل قرآن را آموختند.»

به گفته او این جلسه فقط آموزش قرآن نبوده است، بلکه مسائل فرهنگی سیاسی روز، سیره اهل بیت (ع)، امر به معروف و نهی از منکر، خدمت به محرومان و... هم در آن مطرح می شده که بسیار لازم و مؤثر بوده است. می گوید: مردم در خفقان دوران طاغوت، از اطلاعات و تحلیل محروم بودند و مثل امروز نبود که هر کسی در هر سنی، اطلاعات یا قدرت تحلیل داشته باشد.

قرآن را مطرح کرد تا دورهمی مان، مفید دنیا و آخرت باشد. استقبال کردیم و به تدریج اعضای جلسه افزایش پیدا کرد به حدی که اتاق پذیرایی مان پر می شد.

تا حدود سال ۶۹ که پدرش در قید حیات بود، جلسه هر هفته، شب های چهارشنبه، به صورت نوبتی خانه به خانه برگزار می شده و خودش عهده دار تجوید و اصلاح قرائت ها بوده است. بعد از او مدتی محمد آقا این کار را انجام می داد اما از حدود سال ۹۷ که شرایط جسمی اش دیگر خوب نبوده است و نمی تواند به مسجد برود، این کار به افراد دیگری مثل آقای طبرانی واگذار شده است.

● راننده افتخاری پدر رهبر

این فعال قرآنی با توجه به ایام شهادت رهبر معظم انقلاب، به دغدغه ها و فعالیت های قرآنی ایشان اشاره می کند و می گوید: مثل ایشان دیگر وجود ندارد؛ خیلی راحت از دستشان دادیم؛ باورم نمی شود که دیگر نیستند. بعد هم یاد خاطره ای زیبا از پدرش و پدر رهبر شهید می افتد: «از وقتی به یاد دارم پدرم مقید بود نیمه شب ها به حرم مطهر مشرف شود؛ من هم احساس وظیفه می کردم هر وقت که امکانش فراهم باشد، او را به حرم برسانم و برگردانم. حدود سال های ۵۴ تا ۵۶ متوجه شدم که پدر در حرم مطهر پشت سر آیت... سید جواد خامنه ای (پدر رهبر شهید) نماز می خواند و به ایشان ارادت دارد. من که افراد مورد علاقه پدر، مانند خودش برایم محترم بودند، تصمیم گرفتم هر شب که خدمت پدر می رسم، آیت... سید جواد خامنه ای را هم به منزلشان برسانم؛ گاهی با موتور و گاهی باژیانی که تازه خریده بودم. این خدمت را انجام دادم؛ هر چند آن زمان هیچ شناختی از جایگاه ایشان و فرزندشان، آقا سید علی نداشتم.»

● برکت قرآن در زندگی

آقای نوروزی معتقد است هر چه دارد از نعمت سلامتی، خانواده، همسر و فرزندان با ایمان از برکت قرآن است؛ «به لطف خدا همسری با ایمان و پنج فرزند دارم و همیشه، از لحاظ مادی، در رفاه بوده ام؛ این ها همه از برکت قرآن است. سعی کردم رسم قرآنی پدر را برای فرزندانم اجرا کنم و زیاد در خانه قرآن می خواندم. هر چند نشد مثل پدر برای بچه ها وقت بگذارم، شکر خدا همه اهل قرآن هستند.»



روایت یک پویش مردمی در محله طبرسی شمالی که نرگس فتح‌اللهی باعث آن بود

جلوه‌های ارادت و مقاومت در محله



عیدگاه

و از طریق پایگاه‌های بسیج به رایگان بین متقاضیان توزیع می‌شد و به تدریج که تولید افزایش یافت، با مبلغی خیلی اندک در حد تهیه مواد اولیه، در تجمعات شبانه پل فجر به فروش می‌رسید.

او ادامه می‌دهد: در مجموع ۳ هزار پرچم مشکی با نوشته «لبیک یا خامنه‌ای» آماده شد که تأثیر خوبی در فضا سازی محله داشت. بعد از چهلم آقایدیم که برخی افراد با خلایقیت خودشان، پرچم سردر خانه را برداشته‌اند و حالا به عنوان رودوشی در تجمعات شبانه استفاده می‌کنند، حتی در محلات دیگر مثل چهارراه برق و میدان امام حسین (ع) هم این کار انجام شد. قصد داریم برای ماه‌های محرم و صفر، پرچم‌هایی با شعار «ایران حسین (ع)» آماده کنیم.

فتح‌اللهی با اشاره به اینکه طی جنگ تحمیلی سوم، میز خدمت گروه‌های فرهنگی محله نیز با انواع خدمات، از طراحی بازی متناسب ایام جنگ تحمیلی گرفته تا جهاد تبیین، اعزام مبلغ به جلسات خانگی، تقویت تحصیلی، دوبار و به مدت دو هفته در قالب رویداد هم‌افزار برپا شده است، تأکید می‌کند: هدفم این است که کار مردمی عمیق و ماندگاری در محله صورت گیرد؛ به ویژه حالا که به لطف خدام مردم اهمیت محله را در جلوگیری از آسیب‌ها درک کرده و خود جوش پای کار آمده‌اند.

او می‌گوید: شکر خدا همسر من نیز جهادی و همراه است و هرچه برکت در زندگی مان دیده ایم، از همین کارها بوده است.

بدون استفاده مردم را در قالب پویش چادر مشکی جمع کرده و پرچم درست کنند. بعد از آن بود که تعداد زیادی از خانم‌ها برای کمک در برش و دوخت و توزیع شدن؛ حتی کارگاه‌های خیاطی محله پای کار آمدند و پرچم‌ها به سرعت آماده شد. حالا نوبت چاپ نوشته رویشان بود که آن هم با همکاری یکی از آقایان خوش نویس محله انجام شد؛ چند شب‌بلون آماده کردیم و یک کارشناس هم آوردیم تا نحوه استفاده از آن برای پارچه را آموزش دهد. بعد از آن روزانه بین صد تا دو بیست پرچم آماده می‌شد که خانواده‌ها با کمترین امکانات می‌توانستند آن را جلو خانه نصب کنند.

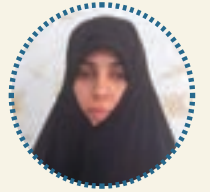
● اهمیت محله در این شب‌ها

نرگس خانم توضیح می‌دهد که پرچم‌ها به سرعت تولید



زهرا شریعتی مادر سه فرزند قد و نیم قد است و بهانه‌اش برای بی تفاوت ماندن، جور و لی با دیدن جاهای خالی طاقتش نمی‌آید و دغدغه دارد که هر کاری از دستش برمی‌آید انجام دهد؛ از جمله بعد از شهادت رهبر معظم انقلاب وقتی دید با وجود اجتماعات پرشور سطح شهر، فضای بصری محله، خاموش و سوت و کور است، آستین‌هایش را بالا زد.

● نذر پرچم



نرگس فتح‌اللهی، مدیر گروه جهادی و هیئت حضرت زینب کبری (س) وقتی عزمش را جزم کرد، با همفکری فعالان فرهنگی محله طبرسی شمالی به طرحی جالب رسید. خودش تعریف می‌کند: بعد از شهادت آقا فکر می‌کردم محله از شدت غم و اندوه به هم بریزد و جلوه شهر عوض شود ولی با وجود اجتماعات و جوش و خروش‌های گروهی، می‌دیدم که در خانه‌ها و محله، خبری از آن شور و عزا و حمله‌ها نیست و خیلی سوت و کور است؛ تجارب سایر فعالان فرهنگی را در تجمعات شبانه بررسی کردم و متوجه شدم مردم دوست دارند که خانه و محله‌شان هم حال و هوای عزادار داشته باشد. ولی نگران برخی پیامدها هستند و تردید دارند. این طور بود که تصمیم گرفتند در اولین گام برای فضا آرای محله، چادرهای مشکی

شهروند محله ایثار، بیش از ۵۰ شب، چراغ ایستگاه صلواتی چهارراه برق را روشن نگه داشته است

ادای دین به جبهه‌ها



● همه‌اش با هزینه شخصی؟

مردم کمک می‌کنند. یک صندوق می‌گذارم که روی آن نوشته است: نذورات شما پذیرفته می‌شود. کارت خوان هم هست. دخل و خرج ایستگاه، با هم می‌خواند خدا را شکر.

● در ذهنتان چه هدفی بود که به پنج‌جاه و چند شب

پذیرایی در تجمعات‌های شبانه، منجر شده است؟ هر سال، ایام تاسوعا و عاشورا و شهادت امام رضا (ع) این ایستگاه را با همین کیفیت سرپا می‌کردم. حضرت آقا که شهید شدند، دیدم این اوضاع، یک جور عاشورایی است برای خودش. خواستم سهیم باشم توی این اجتماع‌ها؛ شده است در حد دادن یک استکان دم‌نوش به خلق... تا کلوئی تازه کنند.

● هر شب از حدود چند نفر پذیرایی می‌کنید؟

تقریباً هزار نفر. آمار لیوان‌های یک بار مصرف این طور می‌گفت. البته یکی دو هفته‌ای که گذشت، دیدم خرید این لیوان‌ها هم هزینه بر است، هم نوشیدنی داغ را بریزی داخلش ضرر دارد، هم اینکه زباله تولید می‌کند و به ضرر محیط زیست است. هزار تا استکان بلوری خریدم و یک روشویی هم در ایستگاه نصب کردم.

● کمک حال شما برای رسیدگی به امور ایستگاه،

چه کسانی هستند؟ هیچ دغدغه‌ای از این نظر ندارم. همان طور که هزینه‌های

● فرزانه شهامت | موتورسیکلت را کنار

مغازه‌اش پارک کرده و با جوانی که کنار سازه ایستگاه صلواتی، مشغول جوشکاری است، گفت و گو می‌کند. سید حسن موسوی، برپاکننده یکی از موبک‌های پذیرایی در پیاده‌رو چهارراه برق است. او نه فقط



موتورسیکلت، بلکه در و دیوار ساعت سازی قدیمی‌اش را پر کرده است از عکس‌های رهبر شهید و نیز رهبر سوم انقلاب اسلامی. سید حسن از آن دست آدم‌هایی است که عشق و اعتقادش را فریاد می‌زند. از آن دفاع می‌کند. برایش هزینه می‌دهد و بایک جانشینستن و صرفاً اوضاع را برانداز کردن، میانه‌ای ندارد. صحبت‌های شهروند محله ایثار که ایستگاه صلواتی را درست کنار مغازه‌اش راه اندازی کرده است، عبارت‌هایی کلیدی مثل «در میدان بودن» دارد و از جزئیاتش این طور بر ایمان می‌گوید.

● ایستگاه صلواتی را از کی برپا کردید؟

اسفند پار سال، دو مین شب بعد از شهادت حضرت آقا. اوایل، یک میز بود فقط با یک کاسه قند، چای و مقداری لیوان یک بار مصرف. شب‌های بعد داربست زدیم، بنر چاپ کردم برای دیواره‌هایش و شد چیزی که می‌بینید.

ایستگاه صلواتی جور می‌شود، نیروی کار هم خودش می‌آید؛ مثل همین بزرگواری که جوشکار است و می‌بینید که دارد پایه برای نصب پرچم درست می‌کند. چند نفری از رفقا و بچه‌های جلسه دعای توسل‌مان، شب‌ها پای کار هستند. گاهی هم رهگذرها می‌آیند کمک؛ مثلاً خانمی دیشب از بین تجمع‌کننده‌ها آمد و گفت می‌خواهد استکان بشوید.

● به خاطر این خستگی‌ها و جنب و جوشی که دارد

به دو ماه نزدیک می‌شود، چه آرزویی دارید؟

سال ۶۷، فقط چهارده سال بود. آرزو داشتم بروم جبهه و رزم‌منده باشم. خیلی به این دروآن دردم تا اینکه عمومی، همین روحانی سیدی که عکسش را روی دیوار مغازه‌ام می‌بینید، راهنمایی‌ام کرد که چطور شناسنامه‌ام را درست کاری کنم. اسمش سید محمد اسماعیل موسوی بود، مسئول اعزام مبلغ لشکر ۲۱ امام رضا (ع). کارهایی‌را که گفت، انجام دادم اما تا آدم مدارکم را تحویل بدهم، خبر پذیرش آتش بس و شهادت عمومی رسید. من لایق نبودم و حسرت جنگیدن در راه خدا به دل‌ماند. امیدوارم خداتلاش‌های کوچکم در این شب‌ها را به عنوان یک جور جهاد قبول کند.



حاج حسن موحدی، مردی هفتاد و یک ساله
واژ چهره‌های دوست‌داشتنی این کوچه، از روز
ساخت مسجد تا کنون خادم مسجد حاج حبیب
بوده است. می‌گوید: تا زمانی که زنده باشم،
دوست دارم در همین مسجد، خادم مردم و
نمازگزاران باشم.

مرحوم حاج حبیب حسین زاده دلشاد وصیت
کرد مسجدی در این کوچه ساخته شود. سال ۱۳۵۸
پسرش، حاج محمود با کمک اهالی و خیران، کلنگ
احداث این مکان معنوی رازدکه امروز یکی از مساجد
فعال محله است و طرح «مدرسه در مسجد» نیز در آن
برگزار می‌شود.



عکس: محمدرضا فیضی / شهرآرا

کوچه سرسبز و خاطره‌ساز

فیضی اکوچه مسلم شمالی ۵ یا همان کوچه حبیب بن مظاهر ۶ از خوش‌منظره‌ترین کوچه‌های محله
مسلم به شمار می‌آید. این کوچه مهندسی‌ساز با عرض چشمگیر ۲۰ متر و طول حدود ۸۰۰ متر، جلوه‌ای
منظم و زیبا دارد. در دو سوی آن، پیاده‌روهایی به پهنای چهارمتر قرار گرفته است که رفت‌وآمد را
آسان کند. خانه‌های دو طبقه ویلایی با طراحی هماهنگ، در کنار درختان بلند و پرشاخ و برگ، فضایی
دل‌نشین به وجود آورده است. تا آنجاکه برخی شاخه‌های درختان از دو طرف کوچه به هم رسیده‌اند
و سایه خنکی دارند.



مسلم شمالی ۵
محله مسلم



ابوالفضل رضایی، فرزند شهید محمدرضا رضایی
که در منطقه عملیاتی حاج عمران به شهادت
رسید، خود نیز در عملیات بدر به درجه جانبازی
نائل آمد. یکی از برادران او آزاده و دیگری نیز
جانباز است.

در این کوچه، خانه‌های ویلایی دو طبقه‌ای با
ظاهری بسیار شبیه به هم به وفور یافت می‌شوند.



مدرسه ابتدایی طبرسی و دبیرستان شهید محمد
رضایی، یادگار قدیمی این محله هستند که از
سال ۱۳۶۸ تا کنون هزاران دانش‌آموز، خاطرات
دوران تحصیل خود را با گنج و تخته و کلاس‌های
این دو مدرسه رقم زده‌اند.